

سکس در نوشهر

بعد از هفت سال دوری از ایران، با اشاره‌های خانواده، سری به ایران آمدم. اوایل ورودم که اطرافیانم آنقدر شلوغ میکردند که حسابی عصبی شده بودم، آخه من چندین سال تنها زندگی کرده بودم و عادت به شلوغی نداشتم. خلاصه بعد از دو هفته برای دیدار شومینه، دختری که از دو سال قبل با هم چت میکردیم، به نوشهر رفتیم، البته شومینه اهل نوشهر نبود و فقط برای دیدار اولیه منو به ویلای پدرش در آنجا دعوت کرد. وقتی برای اولین بار همدیگر را دیدیم، فهمیدم که براستی خدا تمام زیباییها را در صورت و اندام این دختر آفریده بود، طوری که تو همون لحظه اول دیدار با وجود اینکه از جنس خودم بود، اما به حسی تو دلم بوجود اومد که که میگفت یکبار سکس با همجنس رو امتحان کن.

اون روز کلی با هم حرف زدیم و شب کنار شومینه تا صبح گل گفتیم و گل شنفتمیم و نزدیکیهای صبح خوابمان برد. فردا نزدیکی عصر از خواب بیدار شدیم. اون زودتر از من بلند شده بود و من وقتی دنبالش می‌گشتم توی استخر سرپوشیده ویلا پیداش کردم؛ لخت لخت؛ آروم و بی صدا داشت شنا میکرد. چیزی نگذشته بود که فهمید دارم نگاهش میکنم. نگاهش عوض شد، یه نگاهی تو حشاش بود که آدم رو جادو میکرد. اولین سئوالی که ازم کرد این بود: تا حالا با دختر سکس داشتی؟

گفتم نه. گفت چرا/ خوشت نمیآد؟ گفتم خوشم نمی‌اومد اما حالا که یک دختر ایرانی به این زیبایی جلوم ایستاده دوست دارم امتحان کنم.

آروم خودش را از لب استخر بالا کشید؛ سینه‌های بزرگش تکون میخورد، کمر باریکش دیونه‌ام میکرد، وای اون کس خوش تراشش که فقط یه خط باریکی از مو داشت، آدم رو کنجکاو میکرد که دنبال خط بره تا ببینه به کجا می‌رسه.

کنارم که رسید مدادی که بجای گیره برای بستن موهام استفاده کرده بودم را برداشت تا موهای شرابی و بلندم بریزه دور سرم. بعد بند لباس خوابم را باز کرد و آروم از تنم درآورد. بهم گفت گسمای سبزت کار خودش را کرد (قبلاً یکبار هم یک پسر اسپانیایی همین جمله رو بهم گفته بود)

خلاصه، شومینه دستم رو گرفت و منو برد تو سونا. داشتم دیوونه میشدم؛ دستم رو طرف سینه‌هاش بردم، ووووو!!!!!!ووووو. بعد آروم بردم پائین تا رسید به کس‌اش. اولش فکر کردم از آب استخر خیس شده اما وقتی سرمو گرفت و فشار داد لای پاهاش از مزه فهمیدم که اون خیزی مال آب کس‌اش است و نه استخر.

زبونمو کردم تو سوراخش و چرخوندم، چوچولش رو یواش دندون زدم و با دستم سینه‌های سفتش را ناز کردم. بعد بلندشدم و خوابوندمش رو صندلی. خودم هم زانو زدم کنار سرش طوری که کس‌ام کنار صورتش قرار بگیره؛ زبون داغش رو کشید به کس‌ام. حالا دیگه اینقدر حشری بودم که آب کس‌ام کنارح رون‌هام راه افتاده بود. اونهم تا مدتی طولانی کس‌ام رو خورد. بعد بهم گفت کمی صبر کن الان می‌آم. رفت و خیلی زود با یه ویبراتور (کیر مصنوعی) اومد؛ بزرگترین ویبراتوری که تو عمرم دیده بودم، اونو بست به کمرش و گفت بخواب. اول ویبراتور رو گذاشت رو دهنم که خیسش کنم، بعد پاهامو باز کرد و آروم فشارش داد تو کسم، طوری که همشو جا داد اون تو. با هر تلمبه‌ای که میزد، سینه‌های خوشگلش به جلو و عقب میرفت و منو بیشتر حشری میکرد. با اینکه تو عمرم اینقدر لذت نبرده بودم اما از بزرگی کیر مصنوعی داشتم جر میخوردم؛ آه و ناله‌ام تمام سونا و ویلا

را پر کرده بود. دولا شده بود و همینطور که منو می گائید سینه هام رو هم می مکید. فکر کنم یه نیم ساعتی بدون انکه سرعتشو کم کنه، هی منو میکرد. بعد بهم گفت : میخوام بکنم تو کونت! می دونستم که اگه اون کیر مصنوعی به اون بزرگی بره تو کونم، می میرم، اما دلم میخواست. برگشتم و اون هم کرد تو کونم. دردم خیلی زیاد بود اما وقتی دستش رو از زیرم برد و به کس ام رسوند دیگه درد برام چیزی نبود؛ چوچوله ام رو می مالید و می گفت اول تو باید ارضا بشی بعد من.

یکساعتی گذشته بود که ارضا شدم (به عمرم مزه به این خوبی و خوشی نچشیده بودم) بعد ویبراتور را باز کرد و گفت ببند به خودت. من هم زدو بستم و همینکه اومدم که برم روش گفت نه! از عقب منو بکن. یه یکساعتی از کون کردمش و هر بار میخواستم از پشت ویبراتور را وارد کس اش کنم، نمی گذاشت. خلاصه دو ساعتی سکس باحالی داشتیم و بعد هر دو خسته رفتیم که یه چیزی بخوریم.

غروب کنار دریا چیزی شنیدم که اگه از دهن یکی دیگه شنیده بودم، بهش می خندیدم اما اون دختر زیبا یه روزی مرد بوده و با کلی گرفتاری خودش رو به شکل یک دختر درآورده می گفت دوست داشته به شکلی باشه که از سکس با دخترها مشکلی نداشته باشه. اون روز با اینکه شوکه شده بودم، اما از اینکه این شجاعت رو داشته که راستش رو بگه، ناراحت نبودم و در اون یک هفته ای که اونجا مهمونش بودم، به اندازه یکسال سکس داشتیم و اون روزها هرگز از یادم نمی ره.



با نتیجه ای حیاتی برای دختر و پسرها

۱- نسخه برای همه

۲- نامه به مریم

اول نسخه :

ضمن سلام،

مسئولان سایت سکاف، من بعد از یکسال فکر به نتیجه ای حیاتی برای تمام پسرها و

دخترها رسیدم و توانستم جواب این سؤال را بیابم که چگونه یک دوست پیدا کنیم. مسئولان سایت شما باید این مطلب را چاپ کنید و گر نه خیانت بزرگی به ۲ بیست میلیون جوان ایرانی کرده‌اید: (خدا عاقبت مسئولان سکاف رو به خیر کنه)

اول با یک شعر باحال شروع می‌کنم:

بشنو از کیر چون حکایت میکند و زگائیدن‌ها شکایت میکند
و ز میان یکسری پشم و عبا خطبهایی راحکایت میکند
زین جماعت تا به کی باید بدید این عقاید تا به کی باید شنید
ای برادر گوش را بر من سپار تا به تو گویم که چه باید شنید
این جماعت بیسوادان سرشت باید افتد در این ننگان سرنوشت
تا به کی اولاد زور گویند بر اطفالشان تا به کی روحانیون خواهند کرد اعمالشان
دختران این را پس از من بشنوید که دلم خون کردید زین اعمال پلید
امیدوارم از شعرم خسته نشده باشید.

این را سرودم تا شاید بعضی از دختران خجالت بکشند و از این موش و گربه بازی دست بردارند، دخترانی که حتی جواب سلام را هم نمیدهند و فقط بفکر همجنسانند. این مشکل من نیست، مشکل ده میلیون پسر ایرانی است. و تنها راهکاری که بنظر من آمد را بیان می‌کنم:

همانطور که میدانید ما چه پسر و چه دختر از دو جنس آفریده شدیم و به هم نیاز داریم تا با هم باشیم، همدیگر را درک کنیم و از بودن در کنار هم لذت ببریم.
ما باید سعی کنیم اول یک رابطه صمیمی عاطفی ایجاد و بعد از هم لذت ببریم.
این راهکاری را که گفتم می‌خواهم همه درک کنند و از همین الان اجرا کنید، دست رو دست نگذارید، لباس بپوشید و بروید:

هر روز از ساعت نه و نیم تا دوازده شب به پارک ملت و لاله بروید. پسرها یک روزنامه در دست بگیرند و روی یک صندلی خالی نشسته و منتظر باشند. و دخترها هر پسری که نظرشون رو جلب کرد را انتخاب کرده و کنارش بنشینند و سلام کند. پسرها حتماً چیزی برای پذیرایی داشته باشند و با نهایت ادب و احترام به دوست جدیدشان خوش آمد گویند. از کلیه دخترهای فهمیده و پسرهای خوب متشکرم.
دخترها باور کنید از صمیم قلب همه‌اتان را دوست دارم و از شما تمنا میکنم همکاری کنید.

در ضمن شهرستانیهای عزیز پارک‌های مناسب برای اجرای پروژه در شهر خود را بیان کنید. با تشکر.



نامه به مریم

روندیده بگیریم چون دخترها بایدشوهرانشونو از بین همین پسرای غیرتمند انتخاب کنن و همیشه اونا رو ندیده گرفت و گفت کون لقاشون ، همیشه هم که ازدواج نکرد چون ما شرقی هستیم و در کشورهای شرقی ازدواج رو عین ساعات میدونن و فشار زیادی از طرف خانواده‌ها رو جوونا برای ازدواج هست. (ولی من تا حالا این فشار رو تحمل کردم و هنوز نتونستن منو شوهر بدن) این خرافات هم آنچنان قدرتمندند که تو یکی دو سال و چند سال همیشه اونها رو دور ریخت. باور نمیکنی؟ به این پسرای که اوایل انقلاب بچه بودن و بابا ننه‌اشون اونا رو برداشتن و رفتن خارج نیگا کن، حالا همه‌اشون یکی یکی یا چندتا چندتا میان ایران ازدواج کنن و از هر کدومشون بپرسی چرا می‌آیین ایران مگه تو آمریکا و آلمان و فرانسه و کلاً فرنگ دختر نیست؟ حتماً تو هم جواب اونا رو شنیدی که میگن اون طرفاً اصلاً دختر پیدا نمیشه و همه‌اشون زن هستن!!!!!! تعریف زن هم مشخصه، زن یعنی کسی که ازدواج کرده باشه و خونواده داشته باشه... ولی اونا (همینطور ما) به دختری که پرده نداشته باشه میگیریم زن. و اونا هم واسه ازدواج دنبال دختری میگردن که پرده داشته باشه و کس نداده باشه (البته اونا به کمی روشنفکرتر از ما هستن و میگن حالا دختره اگه یکی دوبار کون داده باشه مهم نیست. ولی من اینا رو هم قبول نمی‌کنم) این یعنی اینکه ۲۵-۲۰ سال زندگی تو کشور آزاد هم نتونسته فکر اونا رو عوض کنه، حالا ما چه جوری باید تو این کشور که همه میگن دختر نباید قبل از ازدواج همچین کارایی بکنه، فکرمونو پالایش کنیم؟ تو رو نمیدونم ولی من خودم عقلم به جایی نمی‌رسه. ما اگه خیلی زرنگ باشیم فقط می‌تونیم که چنین افکاری رو تو بچه‌هامون انتقال ندیم تا شاید بچه‌های اونا بتونن راحت زندگی کنن. البته منو هم که می‌بینی اینجوری فکر می‌کنم شاید به این دلیل باشه که خواهر کوچکتر از خودم ندارم.

قربونت برم .

با سرد مزاجی زنان (یا ناخشنودی جنسی) آشنا شویم

بسیاری از زنان از اینکه رغبت جنسی چندانی نداشته باشند، رنج می‌برند، بخصوص اگر که چنین زنانی همسر یا شریک جنسی‌ای داشته باشند که قدرت جنسی زیادی دارد و این زنان حس میکنند که نمیتوانند پاسخگوی نیازهای طرف خود باشند، قضیه زمانی بدتر میشود که همسران چنین زنانی نه از آناتومی و جنسیت و سکس زن چیزی می‌فهمند و نه خود را موظف به تلاش برای کمک و حل مشکل می‌دانند.

اشتباه بزرگی است اگر مردی فکر کند که سرد مزاجی زن یا دوست دخترش ربطی به او ندارد. این مسئله همانقدر مشکل مرد است که مشکل زن و باید با هم برای حل آن احساس مسئولیت کرده و تلاش کنند که با هم راه حلی برای آن بیابند. اگر چنین نشود، احساس نارضایتی از زندگی زناشویی، کم شدن مهر و علاقه دو طرف به هم، عدم احساس خوشبختی، و حتی تلاش مرد برای ارضای جنسی خود در بیرون از رابطه زناشویی و گاهی حتی طلاق و جدائی. شاید برایتان جالب باشد که مثلاً در آمریکا سرد مزاجی زنان (Female Sexual Dysfunction) (اخلال جنسی زنان؟) را در ردیف ناراحتی‌های روانی کلاسه میکنند.

اما سرد مزاجی یعنی چه؟

ضعف لیبیدو (شور و شهوت و هوس جنسی)، بی‌رغبتی به داشتن سکس، بی‌زاری و نفرت از سکس یا ناسازگاری و رد کردن هر تلاشی برای سکس از طرف شریک خود، نفرت از سکس بدلائل تجارب ناهنجار قبلی در زندگی تحریک جنسی نشدن (یا خیلی دیر شدن)، عدم احساس راحتی حین سکس، احساس درد بلافاصله قبل از سکس، در حین سکس و یا بعد از عمل، انقباض ماهیچه‌های اطراف مهبل هنگامی که مرد قصد دخول داشته باشد طوری که ورود آلت مرد به واژن را ناممکن و یا مشکل می‌کند، کاهش جریان خون به واژن و منطقه لگن خاصره و عدم توان در رسیدن به ارگاسم؛ همه اینها سرد مزاجی است. دچار بودن به مشکلات فوق زن را تحت فشارهای روحی و روانی شدیدی قرار می‌دهد. نکته‌ای که نباید از آن غافل بود این است که آیا فرد از اول دارای این مشکلات بوده یا اینکه جدیداً به آن دچار شده است.

همچنین نقش عوامل روانی، فرهنگی-آموزشی و اجتماعی در سردمزاجی را هم به هیچوجه نباید دست کم گرفت. به همین دلیل بسیاری از سکسولوگها، مشاوران امور جنسی و همچنین رهبران جنبش زنان بجای بکار بردن "اخلال جنسی" (Female Sexual Dysfunction) ترجیح می‌دهند که از اصطلاح ناخشنودی جنسی (Sexual Dissatisfaction) استفاده کنند (تا اهمیت و نقش آن را برجسته کرده باشند). چون با این تعریف، سرد مزاجی بعنوان عارضه‌ای (مثل علائم بالینی امراض و ناراحتی‌های دیگر) از ناسالم بودن روابط یک جفت تعریف میشود که هر دو در آن سهیم‌اند. به این سبب طرفداران اصطلاح ناخشنودی جنسی روی مسائل آموزش و بهبود رابطه زن با شریک جنسی‌اش تأکید بیشتری دارند. مدل دیگری برای توضیح سرد مزاجی اینکه موضوع از چندین زاویه مختلف مورد بررسی قرار داده شود، از جمله زوایای فیزیکی، فیزیولوژیکی و روانی. به این دلیل که بخشی از زنان مشکل تحریک شدن و رسیدن به ارگاسم حین سکس را دارند (اشاره به همان سکسوال دیسفونکشن) و بخشی دیگر، بدلیل ناآگاهی، عدم آشنایی با ساختمان و کارکرد جنسیت زن و بالاخره بی‌توجهی و بی‌اعتنایی همسر خود، ناخشنود و ناراضی‌اند. اگر در یک رابطه دو طرف وارد باشند و ضریب هوش جنسی حتی متعارفی داشته باشند آنوقت عامل سن در سردمزاجی تأثیری زیادی نخواهد داشت. این گفته زمانی بیشتر روشن

میشود که زنان در هر سنی ممکن است دچار سرد مزاجی شوند. (حتی در بیست سالگی)، با اینهمه، تعدادی از محققان در تحقیقات خود به این نتیجه رسیده‌اند که اختلال جنسی بیشتر در دوره بعد از یائسگی که تولید هورمون بدن تقلیل می‌یابد، دیده میشود، هر چند که سر این مسئله توافق چندانی وجود ندارد.

برای درک بهتر موضوع سرد مزاجی زنان، ابتدا باید چرخه واکنش جنسی زنان را شناخت که ما از تکرار آن در اینجا می‌پرهیزیم و خوانندگان را به مطلب (با مسائل جنسی زنان آشنا شویم - که در دو شماره ۲۲ و ۲۱ سکاف چاپ شده است، رجوع می‌دهیم).

درمان

اگر علت سرد مزاجی فیزیولوژیکی باشد، مثلاً کاهش جریان خون به واژن، ضعف حسی در واژن، چوچوله و کلاً این منطقه، به دلیل آسیب دیدگی عصب‌ها، یا کاهش تولید هورمون و یا یک بیماری مثلاً دیابت (بیماری قند) باشد، درمان آن هم راحت است و پزشکان متخصص زنان و همچنین متخصصان مجاری ادرار، امروزه در درمان بخشی از این عوامل سرد مزاجی موفقیت زیادی کسب کرده‌اند. اما شرط موفقیت درمان این است که دلیل و ریشه مشکل دقیقاً شناسایی شود که کار چندان آسانی نیست، مثلاً احساس درد حین سکس آیا ناشی از التهاب است یا انقباض ماهیچه‌های اطراف مهبل، یا تحریک نشدن کافی و عدم خیس بودن واژن و یا اینکه یک مسئله روانی است یا اینکه زن از طرف خوشش نمی‌آید؟ یک مثال دیگر خیس نشدن واژن، آیا به دلیل تحریک نشدن است، عدم مهارت مرد و یا اینکه ناشی از اختلال هورمونی است؟

میزان جاری شدن خون به واژن و متورم شدن آلت زنامه از جمله چوچوله را میتوان با دستگاهی اندازه گرفت (Vaginal Photoplethysmography) که در ایران بدلیل غفلت فرهنگی و در نتیجه اهمیت ندادن به مسائل جنسی مردم، بکار گرفته نمیشود. همینطور با انجام آزمایشاتی ساده از واژن میتوان وجود یا عدم وجود عفونت مهبل را تشخیص داد. دوره یائسگی که با کمبود تولید هورمونی همراه است، به کاهش ترشحات مهبل و بالا رفتن میزان PH (بالای ۵) می‌انجامد، که این را هم میتوان با یک تست ساده تعیین کرد و در صورت لزوم برای جبران کمبود ترشحات ناشی شده از کاهش هورمون‌ها، از ژل‌های مخصوص استفاده کرد. همینطور با دستگاه دیگری میتوان میزان حساسیت چوچوله و احتمال اشکال در کار عصب‌ها در این ناحیه را هم مشخص کرد، یا استفاده از هورمون‌های تستسترون که برای زنان تا حدودی همان اثر را دارد که ویاگرا برای مردان.

بسیاری از زنان، در اثر فشارهای مختلف به انواع قرص‌های ضد استرس و مسکن رو می‌آورند. این قرص‌ها در کاهش تمایل جنسی تاثیر زیادی دارند و باید در حد امکان آنها را کنار گذاشت.

سرد مزاجی زنان در ایران

درصد سرد مزاجی در کشور ما علاوه بر مسائل بالا علل عمده دیگری هم دارد و آن نبود آزادی جنسی در اجتماع، صحبت نکردن از این مسائل، تابو بودن جنسیت و سکس بخصوص جنسیت و سکس زنان و سطح پائین هوش و آگاهی جنسی عمومی است. دیدگاه بسیاری از مردان هم این است که زن بایستی برای جلب و تحریک همسر نباید شلخته باشد و باید لباس شیک و بخصوص لباس خواب آنچنانی بپوشد و... ولی عکس قضیه را کلاً فراموش میکنند و برای تحریک همسر خود، نه در عمل، نه در رفتار و نه در لباس پوشیدن هیچ زحمتی بخود نمی‌دهند. مجموعه آنچه گفته شد، منجر به این میشود که نه زنان شناخت درستی از این مشکل خود داشته باشند و نه مردان، در نتیجه وقتی کسی مشکل را نشناسد، برای حل آن هم

اقدام نمی‌کند، نتیجه همان دیدگاه سنتی میشود که زن جنسیت و سکس و احساسات جنسی مستقل ندارد، بلکه وسیله‌ای است برای ارضای نیاز جنسی مرد و عاقبت چنین تفکری هم معلوم؛ مرد که کیرش بلند شد، دیگه زحمتی بخود نمیدهد پاهای زن را بلند کرده و آلت خود را بی مقدمه در واژن او فرو می‌کند، زن هم نیمه خواب و نیمه بیدار حین فکر کردن به اینکه فردا برای ناهار چی درست کند، منتظر می‌ماند تا طرف کارش را تمام کند و بعد: سیر شدی؟ در چنین وضعیتی جنسیت در ایران نه یک مسئله شخصی و موضوع زیر شکم به پائین بلکه یک معضل و مشکل اجتماعی است که باید مورد بحث و بررسی قرار بگیرد و کارشناسان و مسئولین وراد اینگونه بحثها شده و راه چاره‌ای بیابند.

برای حل مشکل چندین مسئله عمده را باید در نظر گرفت:

- آموزش عمومی (هم مردان و هم زنان) در باره ساختمان آناتومی بدن زن، چگونگی تحریک شدن زنان، چگونگی کارکرد جنسیت و سکس زنان، تولید هورمونهای جنسی در زنان و چگونگی واکنش زن در برابر تحریک جنسی.

- بالا بردن ضریب هوش جنسی مردم و افزایش دانش و آگاهی عمومی درباره بیماریها و مشکلاتی که ممکن است افراد در زندگی شخصی با آن روبرو شوند و تشویق به چاره‌یابی.

- برنامه‌ریزی و تهیه برنامه‌های آموزش سکس در مدارس و آشنا کردن کودکان و نوجوانان با این مسائل با توجه به سن و سال دانش‌آموزان.

- ایجاد امکاناتی برای معاینه، کشف و درمان عوامل یکسری از بیماریها مثل درمان هورمونی، عصبها و غیره.

- ایجاد مراکز بهداشت و درمان و مشاوره و ایجاد تسهیلات و مراکز آموزشی برای تربیت متخصصان و کارشناسان امور جنسی در کشور.

- تابوردائی از مسائل جنسی در اجتماع.

برای عملی شدن پیشنهادات فوق وجود افراد دلسوز و شجاع و نترس از تهمت و افترا بخصوص در دستگاههای اجرایی کشور بسیار ضروری است اما در باره راه حل‌های کوتاه مدت میتوان از جمله به این مسائل اشاره کرد:

- هر فردی، چه زن و چه مرد، سعی کند از ساختمان جنسی خود و جنس مخالف اطلاعات دقیق و کافی بدست آورد و با شریک جنسی خود قسمت کند.

- درباره مسئله سرد مزاجی، بخصوص اگر در رابطه خود آن را مشاهده میکنید، با هم صحبت کرده و برای حل آن تلاش کنید: مثلاً آیا تحریک کافی انجام میگیرد؟ از فانتزی سکسی خود صحبت میکنید؟ روش و شیوه‌های متنوع در سکس بکار میگیرید؟ زمان انجام سکس و نور محل سکس مناسب طرفین هست؟ و خیلی مسائل دیگر.

- با اطرافیان خود هم در اینباره صحبت کنید تا کم‌کم از مسائل جنسی تابو زدائی شود.

- اگر تعداد زیادی برای حل مشکل و چاره جویی به پزشکان و روانشناسان مراجعه کنند یا مشکلات خود را برای روزنامه‌ها و مجلات ارسال کنند (حتی بصورت ناشناس)، خودبخود به برجسته شدن این مشکل در جامعه منجر خواهد شد.

- سایتهای آموزشی ساخته و اطلاعات خود را با دیگران قسمت کرده یا برای چاپ به سایتها و یا مجلات و روزنامه‌ها ارسال نمائید.

- مجلات و سایتهای زنان در طرح این مسائل وظیفه سنگینی دارند و نباید از این مشکل غفلت کنند.

حل مشکل سرد مزاجی تنها کمک به زن نیست بلکه بمعنای تلاش برای داشتن یک سکس خوب و لذت بخش دو طرفه هم هست و در کنار آن ایجاد تفاهم بیشتر بین دو طرف و نزدیکی

آنها به هم.
در سایت زنان (فارسی) هم مطلبی در باره سرد مزاجی زنان است که میتوانید آن را بخوانید.
آدرس آن این است:

<http://www.zanan.co.ir/life/000071.html>

دوستان علاقمند به ترجمه چنین مطالبی هم میتوانند از طریق اینترنت به کتابهای خوبی دسترسی پیدا کنند.

کتاب *Only For women* از *Jenifer Berman* و *Laura Berman* یکی از اینگونه کتابهاست.

دیگران چه می‌گویند

(انعکاس نوشته‌های دیگر سایتها درباره سکس و مسائل جنسی)

اگر به یک مطلب جنسی-سکسی در سایتی که عموماً در رابطه با سکس و مسائل جنسی مطلب نمی‌نویسد، برخورد کردید، میتوانید برای انعکاس آن در این صفحه با سکاف تماس بگیرید. چون ما به تنهایی نخواهیم توانست به این همه سایت سر بزنییم.

=====

۱- سایت زنان ایران مطلب جالبی درباره اینکه چگونه شرایط ضمن عقد را در عقدنامه اضافه کنیم، چاپ کرده که خواندن آن بخصوص برای خوانندگانی که قصد ازدواج دارند، چیزهای جالبی دارد. این هم آدرس:

<http://www.womeniniran.org/82/information/01.htm>

۳- روزنامه شرق در شماره روز ۲۹ شهریور خود، مطلبی درباره افسردگی بعد از زایمان که بعضی از زنان بدان دچار میشوند، مطلبی دارد. آدرس آن:

<http://www.sharghnewspaper.com/82-6-29/science.htm>

۴- سایت گویا (سایتی بی طرف و با مطالب متنوع و بسیار جالب که خواندن آن را حتماً به دوستان پیشنهاد می‌کنیم)، مطلبی درباره روحانیت و اخلاق جنسی و همجنسگرایی چاپ کرده که آدرس مطالب این است:

<http://news.gooya.com/2003/08/25/2508-ff-01.php>

۵- سایت زنان هم مطلبی درباره اولین عادت ماهانه و واکنش دختران و همچنین موضوع استرس در زندگی زنان دارد. آدرس:

<http://www.zanan.co.ir/life/000039.html>

۶- هات لاین (پیدا کردن شریک جنسی از طریق تلفن) برای ایرانیان سوئد: ایرانیان داخل ایران چرا نداشته باشند؟

<http://www.stockholmian.com/banners/hotline.html>

۷-سایت نواربهداشتی هم "حالی به برو بیچ"ها داده، حتماً سر بزنید، آدرس:

<http://period.blogspot.com>

۸-سایت ایرانیان دات کام هم مطلبی از یک پزشک ایرانی همجنسگرا به زبان انگلیسی چاپ کرده، آدرس:

<http://www.iranian.com/Opinion/2003/September/Gay/index.html>

۹-سایت بی بی سی هم مطلبی درباره وبلاگهای سکسی در ایران چاپ کرده که آدرس آن این است: <http://news.bbc.co.uk/1/hi/sci/tech/2044802.stm>

۱۰- این هم یک وب لوگ که درباره روابط دختر و پسر مطلب نوشته:

<http://goftaniha.persianblog.com>

۱۱- این هم سایت امیر که تو آمریکا درس می خون و به شکلی ساده و خودمانی تجربیات خودش تو ایران رو با تجربیات تو آمریکا مقایسه می کنه، از جمله برخورد پلیس با مردم.

این هم آدرس: <http://www31.brinkster.com/iranchicago>

با تشکر از دوستانی که در تهیه این صفحه به ما کمک کرده اند.
سایتی که صرفاً به مسائل جنسی و سکس میپردازند را در قسمت پیوند معرفی می کنیم.
این صفحه صرفاً برای انعکاس مطالب مربوط به سکس در سایتهای غیر سکسی است.

با هم جوجه سکافی و حرفاش

پسرهای عقده‌ای - دخترهای زندانی

سلام به سه کافی‌های باحال. من همان جوجه سکافی‌ام، بازم درد دل دارم (یاد عمو سبزی فروش افتادم که میگه عمو سبزی‌ات گل داره درد دل داره.....سبزیت آشیه، عمت). الان این مسئولین مملکت شدن عمو سبزی فروش و جامعه ما شده سبزی اونا که پر از گل شده و هیچ کدوم از این به حساب مسئولین به فکر تمیز کردنش نیستن، واقعاً که باید برن سبزی پاک کنن! این جامعه ما گل داره، منم درد دل دارم و فقط میتونم از راه سه کاف (همون مرکز فساد) حرفامو بزنم.

من میخوام اینجا از عقده‌های ما پسر بگم. قبلاً هم گفتم، من واقعاً دارم عقده‌ای می شم. آخه تا کی.....؟؟؟؟

هر وقت تو خیابون با رفقا و یا تنها قدم میزنم، تو خیلی از محله‌های تهران دخترای خوشگل و خوشتراشی رو می بینم که لباسهایی به تن کردن که اندام اونا رو ناز و نازتر کرده. من وقتی از زیر مانتوهای کوتاه و از روی شلوار تنگ و یا گشاد و نازک، اندام پائین تنه این دخترها رو می بینم و از روی لباس و مانتوی تنگ سینه‌های ورم کرده و حشری کننده اونا رو می بینم، تنها کاری که می تونم بکنم اینه که فقط چشم چرانی کنم و بعد که رفتم خونه جلق بزنم.

من دیگه واقعاً هیز شدم. مطمئنم که خیلی از شماها هم مثل من هستین. البته سو تفاهم نشه!! منظور من این نیست که چرا دخترا این جور لباسا رو می پوشن، نه. منظور من این هستش که چرا ما تا این حد باید در اسارت و تنگنا قرار داشته باشیم و نتونیم از احساسها و لذتهایی که خداوند به ما داده استفاده کنیم، تاحدی که با دیدن اندام یک ناهمجنس، اونهم از روی لباس چشمامون چهارتا بشه و نتونیم از دیدن اون صحنه روی برگردانیم..... ولی دخترای بیچاره که تقصیری ندارن، میترسن اگه با کسی سکس داشته باشن مردم اونا رو بعنوان جنده بشناسن، میترسن از خونه ترد بشن، حتی خیلی از برادرا که خودشون اینقدر از بی دوست دختری شکایت میکنن اگه خواهر خودشون دوست پسر بگیره واویلا. خوب اگه من ندارم خواهرم دوست بگیره، تو نداری، اون یکی هم نداره پس دختر از آسمون برا ما می ریزه؟ و حتی بعضی از پسرا اثر بدی روی بعضی دخترا گذاشتن به طوری که دیگه اون دختر از همه پسرا و مردا بدش میآد!

اوون قدیما زمان آدم و حوا، حوا آدم رو وسوسه کرد که از میوه بهشتی اش بخوره، آدم هم حوا را خورد و از بهشت بیرون شد. حالا تو ایران و چندتا کشور دیگه همین قضیه وجود داره ولی عاقبتش فرق داره.

حالا دختر چه ناخواسته و چه از روی عمد پسره رو وسوسه میکنه تا از میوه بهشتیش بخوره (یا وسوسه میشه که بده پسره بخوره). پسر هم با سر میره که بخوره، ولی اگه بخوره اینبار دیگه آدم (پسر) نیست که از بهشت بیرون میشه بلکه اینبار حوا (دختر) است که از خانه و خانواده ترد میشه...!!! اونم فقط بخاطر تعصبات بی جا و کهنه. ولی ما پسرا داریم عذاب میکشیم.....

برای اینکه تا حدودی بفهمید که ما پسرا چی می کشیم و ما رو درک کنید، یه چیزی تو مایه های شعر در این رابطه گفتم که اسمشو گذاشتم "کس منگنات". خودم نمیدونم یعنی چه!! فقط اسمش منو یاد درس شیمی و یا یه کس که شبیه منگنه ست میندازه. شایدم معنی اصلیش اینه که کس رو منگنه کردن تا کسی چیزی نکنه توش!!!...؟؟؟؟؟؟؟؟ کس منگنات

شبی نیست که خشتکم از آب منی خیس نشود

روزی نیست که حشری نشوم

هفته ای نیست که کمتر از ۳-۲ بار جلق نزنم

عصری نیست که با دیدن کوس و کون برجسته دختران،

چشمم از حدقه بیرون نرود.

آخر تا کی؟!؟!?!/

تا کی باید عقده را در خود نگه دارم؟

تا کی باید چشم چرانی دختر مردم را بکنم؟

تا کی باید چشمانم را روی اندام دختران زوم بکنم؟

دیگر چشمانم سوئی ندارند

نمی دانم از جلق است یا چشم چرانی بیش از حد؟

روحم خسته شده

و جسمم ضعیف

امیدم ناامید شده

و اعتماد به نفسم نابود

دیگر نمیتوانم تحمل کنم

اما باید چه کنم که ازین قفس رهایی یابم؟
و حالا درد دل با دخترا: بابا ما پسرا خستگیدیم (یعنی خسته شدیم) از دست شما دخترا!
یه ذره هم با ما راه بیاین، اینقدر افه عفت نزارین. اینقدر ناز نکنین!
خدا دختر و پسر و زن و مرد رو واسه هم آفریده، درسته اینا نمیزارن ولی یواشکیش هم
لکی کیف داره! نه؟
کیر من از بس کف دستم لیز خورده، حالش بد شده. کس خوشگل و تپل شما حالش چطوره؟
سلام کیر منو بهش برسونین!
همیشه شاد، تلمبه زن و یا تلمبه خور باشید.
جوجه سه کافی = محسن باحاله.

راز میوه‌های ممنوعه

اصطلاح میوه یا میوه‌های ممنوعه را شنیده‌اید؟ این میوه‌ها همیشه یادآور سکس و عبور انسان از محدودیتهاست. مثلاً میوه سیب. میدانید که طبق تعلیمات دینی، آدم و حوا که در بهشت بودند، حوا میوه سیب را به عنوان سمبل سکس و انعکاسی از شهوت به آدم می‌دهد. (در بعضی افسانه‌ها گندم جای سیب را میگیرد).
نویسندگان و نقاشان و دیگر هنرمندان هم در طول تاریخ، در تولیدات هنری خود با بکارگیری میوه‌ها و اسامی آنها، در اشاره خود به مسائل جنسی حالت استعاره و کنایه و تشبیه بکار می‌برند. و طبیعت هم در خدمت چنین شاعران و هنرمندان بوده و هست. موز تصویری از آلت مردانه است، در حالی که اون محفظه محل نگه‌داری تخم در درون سیب سمبلی از فرج زن.

و یا میوه‌های جنگلی همچون تمشک یا توت، نوک پستان را تداعی میداند، یا هلو (شفتالو) سمبل باسن و هر قسمت هلو سمبل یک لمبر کون است. جالب اینکه در بعضی زبانها کلمه هلو به معنی یک دختر زیبا هم هست و خود ما ایرانیان لپهای یک نفر را به هلو تشبیه می‌کنیم.

جای شراب (شیره انگور) و عسل در ادبیات هم که دیگر به‌نیاز به گفتن ندارد.

زیبایی راه رفتن یک دختر به خرامیدن طاووس تشبیه میشود.

باغ عدن و حال و هوای آن و گردش آزادانه دختران مه رو و مه لقا و پسران زیبا روی در آن باغ هم خود افسانه معروفی است که در بیشتر فرهنگهای جهان نقل میشود.

خوردن میوه باعث لذت دهانی فرد میشود و همه میدانند که دهان چه نقش عمده‌ای در یک عمل جنسی دارد؛ سکس دهانی و لذتی که به همراه دارد.

همین (خوردن میوه و سکس دهانی) باعث تشبیه و کنایه و استعاره‌هایی در ادبیات و حتی زندگی روزانه افرادی میشود که حواس‌اشان جمع است، مثلاً دختری با خوردن سیب، قادر است پیامی اروتیکی را به دوست پسرش منتقل کند و یا بلعکس. هر چند که میوه‌ها احتمالاً از خورده شدن خود لذتی نمی‌برند ولی خوب اینجا منظور بیشتر اشاره و کنایه و استعارات است.

شاید به این دلیل باشد که هنرمندان و بخصوص شاعران اشتباهی خاصی برای میوه - خوری دارند و این انعکاسی ناخودآگاه از تمایل شدید آنان به سکس دهانی باشد. جای تاسف است که در دورانی از تاریخ عده‌ای توانستند سکس و مسائل جنسی را به بار گناه آلوده کنند تا بدینوسیله توانسته باشند انسانها را به زیر قدرت خود

در آورند و به انقیاد کشند. همین اصطلاح میوه ممنوعه را توضیح می دهد.
و در پایان شعر مرد تنها از پابلو نرودا شاعر شیلیایی را برای این قسمت انتخاب کرده ایم:

مرد تنها

جوانان و دخترکان دلباخته
بیوه گان پوست انداز، بیخواب و هوس آلود
زنان جوان خانه دار، آبستن چند روزه
و گربه های خموش سرگران در سایه های تارک باغ
همچون گردنبندی از صدفهای پرتیش برانگیزنده
خانه تنهایی ام را احاطه میکنند
عینهو دشمنان جانم را اشغال میکنند
پیچیده در پیژامه
دزدانه و پی در پی بوسه های طولانی رد و بدل میکنند
تابستان سوزان و اغواگر جفتهای عشاق
در زیر نخلهای دل انگیز، در امتداد ساحل برافروخته از نور ماه
برانگیختگی دائمی در زیب شلوارها و زیر دامن هاست.
صدای حرکت دستها بر جورابهایی که نوازش میشوند
پستانهای زنان براق همچون چشم
معلوم است که دختر ملول اداره ای
بعد از هفته ها خواندن کتابهای خسته کننده در رختخواب
با همسایه رو هم ریخته
و همسایه او را به خلوتگه درجه سه می برد
آنجا که قهرمانان کره اسپهای جوانند و یا دخترکان شیک پوش
او پاهای پرزدار دختر را نوازش میکند
با دستهای گرم و عرق کرده که بوی سیگار میدهند
شب اغواگران و شبهای روا و برحق
خود را همچون ملافهای نفس گیر بر من می اندازد
ساعت استراحت وقتی هم جوانان دانش آموز از هر دو جنس
و هم کشیشان برای جلق زدن به خلوت خود میروند
و وقتی حیوانات جماع میکنند
و زنبوران بوی خون میدهند و پشه ها به وزوزه می افتند
و دختر پسر عمه ها با هم "دکتر بازی" میکنند
و دکتر با خشم به شکم بیمار جوان خیره میشود
و پورفسور بدون هیچ احساس و درکی، در سحرگاه وظیفه زناشویی خود را به انجام میرساند
و بعد به صرف صبحانه می نشیند
و بعد از آن خیانت کاران زناشویی که به هم عشق می ورزند، با احساس و خلوص
با هم نرد عشق واقعی می بازند
و همچون قایقی در آب، در تخت می غلظند
این جنگل کهنه که از مسیر گلهایی به اندازه دهانهایی پر دندان با ریشه های سیاه، تنفس میکند
مرا برای ابد دربر میگیرد

=====

ترجمه شعر بالا بدون شک، کامل نیست، اما ما مترجم نیست. ضمن پوزش از خوانندگان
اگر دوستی ترجمه کامل شعر را برایمان ارسال کند، حتماً اصلاح خواهیم کرد.